

نسخه

دوفصلنامه علمی پژوهشی فلسفه اسلامی
سال یازدهم / شماره دوم / پیاپی ۲۱ / پاییز - زمستان ۱۴۰۴

سر مقاله

بی‌گمان رخ‌دادهای آینده، از هم‌اکنون قابل تشخیص‌اند؛ البته به شرط آن‌که ما از همه متغیرهای تأثیرگذار در هر واقعه کاملاً آگاه باشیم. آن متغیرها، هر یک وابسته به متغیرهای دیگری هستند و باز آن دیگری در گرو متغیرهای دیگری... و همین‌گونه است که گویی همهٔ عالم در هر جزئی از عالم تأثیرگذار است و تنها کسی که به همهٔ عالم به تفصیل آگاه باشد، می‌تواند آینده را به دقت پیش‌بینی کند.

عالم طبیعت، از آن‌جا که منتشر در زمان و مکان است، به گذشته، حال و آینده تقسیم می‌شود؛ به‌گونه‌ای که گذشته، در آینده تأثیر می‌گذارد؛ اما در عالم مثال، طومار زمان در هم پیچیده و رخ‌دادهای زمانی، در وحدتی متعالی جمع می‌شوند. گویی گذشته‌ها و آینده‌ها در نقطهٔ اکنون جمع شده‌اند، اما به‌گونه‌ای که هنوز ضرورت بایسته را پیدا نکرده‌اند؛ زیرا دامنهٔ فنای کثرت در وحدت، در عالم مثال، کامل نیست و گذشته‌های دورتری هستند که تأثیرشان در حال، لحاظ نشده است.

هر چه به عالم‌های بالاتر ارتقا یابیم، گذشته‌ها و آینده‌های بیشتری، به نقطهٔ حال می‌پیوندند. تا جایی که در علم پیشین الهی، همه چیز اکنون است و اگر کسی بدان علم، آگاهی یافته و به عالم ماده بازگردد، می‌تواند افق‌های بسیار دور زمانی را پیشاپیش، ببیند. تنها پیامبران اولوالعزم علیهم‌السلام و امامان علیهم‌السلام چنین مقامی دارند و دلیلی بر دست‌یابی سالکان و صالحان، به چنین رتبه‌ای در دست نیست.

در قرآن کریم به دو لوح «محفوظ» و «محو و اثبات» اشاره شده است. لوح محفوظ، قلب انسان کامل (امام عصر علیه‌السلام) است که تقدیرهای قطعی در آن نقش می‌بندد؛ به همین دلیل فرشتگان موكَّل تقدیر، در شب قدر بر انسان کامل نازل می‌شوند. کسی که به لوح محفوظ دست یابد، رخدادهای گذشته و آینده

را با همه تفاسیل و به‌گونه قطعی خواهد یافت؛ اما لوح محو و اثبات که بیش‌تر در عالم مثال مستقر است، قطعیت ندارد و ممکن است در اثر تغییر متغیرهای تأثیرگذار، چیزی محو و چیز دیگری در آن اثبات شود.

آنچه صالحان (غیر از امام عصر علیه السلام) در خواب یا بیداری، از رخ‌دادهای آینده می‌بینند، معمولاً به لوح محو و اثبات، تعلق داشته و قطعی نیست. از این‌رو نقل آن در محافل عمومی و ایجاد توقع در مردم کاری نارواست؛ زیرا: ۱. شاید پی‌رنگ‌های درونی فرد در یافته‌اش تأثیر بگذارد و چیزهایی را در آن زیاد و کم کند؛ ۲. حتی اگر رنگ نفسانی در شهود او دخالت نکند، باز هم مکاشفه‌های مربوط به لوح محو و اثبات، قابل اعتماد نیست؛ زیرا می‌توان فرض کرد که او درست یافته و واقعاً چنین چیزی مقدر بوده است؛ اما تقدیر، تغییر کرده و دیگر چنان‌که او دیده نیست.

بنابراین صالحانی که درباره آینده و ظهور، پیش‌گویی می‌کنند، روی‌کرد نادرستی در پیش گرفته‌اند؛ خواه "صادق‌شنود" باشد، خواه فلان استاد و بهمان دانشمند. تنها کسی که یقیناً به لوح محفوظ دسترسی دارد، امام عصر علیه السلام است. دیگران باید در این زمینه با احتیاط بیش‌تری رفتار کرده و یافته‌هایشان را اعلان نکنند؛ بسا که خود این افشاء، یکی از عامل‌های تغییر و تأخیر در ظهور آن حضرت باشد.

آری، افول تاریکی نشانه طلوع خورشید است، اما کسی نمی‌داند که سپیده‌دم، دقیقاً چه زمانی خواهد رسید... وظیفه ما بسترسازی است نه پیش‌گویی. لغزیدن از این به آن، انحراف بزرگی است. همه آن‌چه بیان شد، درباره صالحان راستگو بود، اما شیادان کذاب خود داستان دیگری دارند که باید به‌شدت از ایشان پرهیز کرد.

روح‌الله سوری